

هندسه معرفت دینی در نگاه علامه طباطبائی

سبا مقدم^۱

سارا مقدم^۲

چکیده

مسئله‌ی معرفت دینی یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه دین پژوهی است که دانشمندان مختلفی در این زمینه به گفت و گو پرداخته‌اند. براساس این اهمیت امروزه در علوم مختلفی چون فلسفه، کلام، دین شناسی و... نگاه ویژه‌ای به معرفت دینی شده است. پژوهشگران راه‌های کسب معرفت دینی را به یک شکل هندسی شبیه سازی کرده‌اند و با تحقیق و پژوهش در منابع دینی در پی آن هستند بدانند که این معرفت چگونه بدست می‌آید و چه مبانی ممکن است اضلاع این شکل هندسی را تشکیل دهد. این ترکیب در نگاه علامه طباطبائی نه تنها به فهم عمیق‌تر از خداوند و جهان معنوی کمک می‌کند؛ بلکه در تجربه‌ی معرفتی و رشد معنوی نیز نقش مهمی دارد. از این رو مقاله حاضر درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی و به کتابخانه‌ای پس از بررسی مفهوم هندسه معرفت دینی آن را از دیدگاه علامه طباطبائی بررسی کند.

واژگان کلیدی: معرفت، معرفت دینی، عقل، حس، شهود.

^۱. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) زنجان ابهر Sabamd7925@gmail.com
^۲. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه فاطمیه (سلام الله علیها) زنجان ابهر moghaddamsara79@gmail.com

مقدمه

در اصل، همه‌ی دانش‌ها و آگاهی‌های انسان از دو روش بوجود می‌آیند؛ برخی از آن‌ها بدون نیاز به مطالعه و تحقیق رسمی به دست می‌آیند، مثل آداب و رسوم و... و برخی دیگر بر پایه‌ی منابع و مبانی علمی شناخته شده است. همین امر درباره‌ی معرفت دینی هم صدق می‌کند که در دو شیوه؛ تقلید و اعتماد به سخنان پیشینیان و بهره‌گیری از عقل، نقل و شهود قابل تصوی است.

مسائل و سؤالات درباره‌ی هر مفهومی به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود؛ سؤال از چیستی آن مفهوم، سؤال از هستی آن مطلب و سؤال از چرایی. به همین ترتیب، معرفت دینی هم مانند دیگر امور، از مسائل یادشده مستثنا نیست.

این مقاله به سؤال از چیستی معرفت دینی پاسخ می‌دهد. در این زمینه با دو نوع سؤال مواجه هستیم. گاهی سؤال از معنای لغوی است که می‌توان به صورت تعریف لغوی به آن پاسخ داد. این مرتبه مربوط به معناشناسی یا معنای لغوی است. گاهی هم سؤال از حقیقت و ماهیت معرفت دینی است. در اینجا، پاسخ حقیقی ارائه می‌شود که در اصطلاح به آن تعریف منطقی می‌گویند. این مرحله پس از شناخت معنای لفظ و پرسش از ماهیت معنا و حقیقت معناست. برخی از مفاهیم ماهوی هستند و می‌توان برایشان تعریف حقیقی ارائه داد مانند؛ انسان، حیوان ناطق است. اما برخی از مفاهیم غیر ماهوی هستند و نمی‌توان برایشان تعریف حقیقی ارائه نمود؛ صرفاً با تعریف شرح الاسمی و بیان برخی از ویژگی‌های آن نظیر؛ روش، هدف، منابع به تبیین آن پرداخته می‌شود. تفسیر امروزه از چیستی معرفت دینی نیز همین گونه است.

بنابراین در مورد تعریف معرفت دینی، می‌توان گفت همان گونه که نمی‌توان از علم و معرفت، تعریفی حقیقی ارائه نمود (مصباح، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۵۲). از معرفت دینی نیز نمی‌توان تعریفی حقیقی، ارائه کرد؛ زیرا تعریف حقیقی، مربوط به مفاهیم ماهوی است که دارای جنس و فصل است، اما مفاهیم غیرماهوی، نظیر مفهوم وجود، مفهوم علیت، و... از مفاهیم فلسفی بوده و فاقد جنس و فصل هستند. تمام تعاریفی که از معرفت دینی موجود است از سنخ تعریف لغوی، تعریف به مصداق، تفسیر و... می باشد.

معرفت دینی به معنای؛ درک و فهم عمیق‌تر از اصول و مفاهیم دینی است. این مفهوم شامل دستاوردهای علمی و فلسفی درباره دین، اعتقادات، ارزش‌ها، آداب و رسوم، اخلاق و قوانین دینی

می شود. معرفت دینی برای فهم بهتر و عمیق تر از ارزش ها و اصول دینی به افراد کمک می کند و امکان توجه و عمل به آن ها را فراهم می کند.

در نگاه فلسفی علامه طباطبایی، معرفت دینی به عنوان یک مفهوم بسیار مهم و اساسی در دین، مورد توجه قرار می گیرد. او معتقد است که معرفت دینی نقش حیاتی در پیشرفت و تکامل انسان دارد و بر رابطه انسان با خداوند تأثیر بسزایی دارد. معرفت دینی به معنای درک و شناخت عمیق و صحیح است. این درک عمیق از خداوند، قوانین الهی و مفاهیم دینی، انسان را به سمت رشد و تکامل روحانی هدایت می کند. علامه معتقد است که انسان با تحقیق، تفکر و تدبیر درباره مسائل دینی و عرفانی، می تواند به معرفتی عمیق از حقایق دینی و خداوند دست یابد.

از نگاه علامه، معرفت دینی نه تنها شامل دستاوردهای علمی و فلسفی درباره دین است، بلکه امکان درک و فهم اصول و مفاهیم دینی را در سطحی عمیق تر و جامع تر از سایر افراد فراهم می سازد.

معرفت دینی، براساس دیدگاه طباطبایی، نقشی مرکزی در شناخت خود انسان دارد. علاوه بر این، با تحقیق و تدبیر در مفاهیم دینی، انسان می تواند به تحقق عدالت، عشق، حقیقت و آرامش در زندگی خود و دیگران نزدیک شود.

ایشان، از روش های مختلفی برای دستیابی به معرفت دینی سخن می گوید. اولین قدم این است که فرد به دنبال فهم عمیق تر از مفاهیم دینی رود. برای این منظور، او توصیه می کند که فرد به مطالعه و تحقیق درباره اساسنامه و مفاهیم اصلی دین خود بپردازد.

افراد میتوانند تحقیقات خود را از طریق مطالعه کتب مقدس، تفسیر آن ها، مشاهده و شرکت در مراسمات دینی و مشاوره با علمای دینی تکمیل کنند.

طباطبایی همچنین تأکید می کند که تجربه عملی و عمل به دستورات دینی نیز برای دستیابی به معرفت دینی بسیار مهم است. اعمالی چون نماز، روزه، صدقه، حج، پرهیز از گناهان و رعایت ارزش های اخلاقی، فرصتی را برای تجربه و عمل به دستورات دینی فراهم می کنند و این تجربه ها می تواند به فهم و معرفت عمیق تری از اصول و قوانین دینی منجر شود.

برقراری ارتباط از آغاز آفرینش انسان، به عنوان نیاز طبیعی و اساسی او در تعامل با دیگران، همواره مطرح بوده است؛ اما مهم ترین رابطه ای که انسان ها در طول زندگی به دنبال دستیابی به آن هستند؛ ارتباط با مبدأ هستی است. هندسه معرفت دینی به معنای نحوه ارتباط انسان با خداوند و فهم عمیق تر از جهان معنوی می باشد.

در رابطه با پیشینه منابع این مقاله میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. طباطبائی، ۱۳۶۳ ه.ش، ج ۲، ص ۱۹۲.

در این کتاب، علامه دین را اینگونه تعریف کرده: طریقه‌ای که پیمودنش آدمی را به سعادت حقیقی و واقعیش برساند.

۲. حسین زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۲۰

در این کتاب حسین زاده تعریفی متفاوت از معرفت ارائه کرده است:

واژه معرفت در لغت به معنای؛ ادراک مطلب و مطلق آگاهی یافتن است. این واژه در اصطلاح اندیشمندان اسلامی؛ مطلق علم و آگاهی معنا شده است. چه این آگاهی با واسطه باشد و چه بی واسطه و متعلق آن هم چه از امور حسی باشد و چه غیر حسی.

۳. فلسفه معرفت دینی، نویسنده: علی اکبر رشاد، زمستان ۱۳۸۸ ه.ش.

این مقاله در صدد طرح ضرورت تأسیس فلسفه ی معرفت دینی و تشریح محورها و مسائل مهم قابل بحث در این دانش است.

۴. معرفت دینی و معرفت تاریخی، نویسنده: سید حسین فلاح زاده، پاییز ۱۳۸۷ ه.ش.

در این مقاله کوشیده شده افزون بر پرداختن به وجوه مفارقت این دو حوزه معرفتی تشابهات آن دو را نیز بررسی کند.

۵. سهروردی، ۱۳۷۵ ه.ش.

سهروردی معتقد است یکی از راه های کسب معرفت و شناخت، شهود است که گاه به جای آن، واژه مشاهده به کار می-رود. در فلسفه منظور از شهود؛ علم حضوری است.

با بررسی در پیشینه ی فوق، پژوهش های پیشین به تبیین معرفت دینی پرداختند اما تحقیق حاضر درصدد آن است که مفهوم هندسه معرفت دینی را از دیدگاه علامه طباطبائی بررسی کند.

اهمیت هندسه معرفت دینی در فلسفه علامه طباطبائی به دلایل زیر است:

۱. درک عمیق تر از وحدت: هندسه معرفت دینی در دیدگاه علامه طباطبائی، به فهم وحدت الهی و ارتباط بین خداوند و کلیت وجود می-پردازد. این مفهوم به انسان کمک می-کند تا با درک عمیقی از وحدت وجود، به سمت فهم بهتر از خداوند و ارتباط نزدیکتر با او پیش برود.

۲. تجربه معرفتی: هندسه معرفت دینی به عنوان یک روش وابسته به تجربه، در فلسفه علامه طباطبائی برای رسیدن به معرفت و فهم عمیق تر از جوانب معنوی و خداوندی استفاده می-شود.

این رویکرد تجربی به انسان کمک می‌کند تا از طریق تجربه‌های معرفتی خود به فهم عمیق‌تری از خداوند و جهان معنوی برسد.

۳. رشد معنوی: هندسه معرفت دینی در فلسفه علامه طباطبایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های رشد معنوی در نظر گرفته می‌شود. با استفاده از این مفهوم، انسان می‌تواند به سمت رشد و تکامل معنوی پیشرفت کند و به فهم عمیق‌تری از مسیر معنویت و خداوندی دست یابد. به طور کلی، هندسه معرفت دینی در فلسفه علامه طباطبایی نه تنها به فهم عمیق‌تر از خداوند و جهان معنوی کمک می‌کند، بلکه به رشد معنوی و تجربه معرفتی انسان نیز ارتباط مستقیمی دارد.

دعا و مغفرت یا گناه و حسد و غیره در زندگی و روان انسان و همچنین طبیعت صحبت می‌کند. چیزی که صرفاً با عقل و تجربه قابل درک و تعیین نیست.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «علمک ما لم تکن تعلم» می‌فرماید: که خداوند متعال از طریق وحی نوعی علم به پیامبر عطا کرده است، در صورتی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) وسایل متعارف تربیت هر انسانی را به او نداده بود. انسان و کسانی که علوم عادی را به مردم می‌آموزند، به این علم دست نمی‌یابند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۸۰).

علامه معتقد است: در محیط تنگ و محدود زندگی، انسان تنها با چند علت و حوادث ناشی از ضعف حواس و کوتاه فکری او احاطه شده است. این اطلاعات محدود انسانی به هیچ وجه با ناشناخته‌های نامحدود قابل مقایسه نیست. (طباطبایی ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۷۲).

بنابراین، وحی به عنوان منبعی بی‌طرف می‌تواند در تولید علم مؤثر باشد. علاوه بر این، هیچ تناقضی بین ابزارهای چهارگانه معرفت بشری وجود ندارد. آن‌ها را می‌توان با هم گروه بندی کرد؛ زیرا علوم می‌هستند که با بیش از یک روش سامان می‌یابند و حتی علوم تجربی بدون قضایای کلی و با کمک روش‌های دیگر به علم تبدیل نمی‌شوند.

نتیجه گیری

با توجه به نگاه علامه طباطبایی، می توان به نتیجه گیری های زیر درباره هندسه معرفت دینی پرداخت:

۱. هندسه معرفت دینی به عنوان یک ساختار منطقی و منظم، امکان رسیدن انسان به معرفت عمیق تری از خداوند را فراهم می کند.

۲. تفکر و تدبّر فلسفی و عقلانی در مفاهیم دینی، انسان را قادر می سازد تا از طریق تحلیل و بررسی، به درک عمیقی از خداوند و قوانین الهی برسد.

۳. تدبّر و تفسیر قرآن نقش مهمّی در هندسه معرفت دینی دارد و با تمرکز بر قرآن، انسان می تواند به معرفتی عمیق تر از خداوند و آیات الهی برسد.

۴. عمل عبادی و عمل خیر نیز در هندسه معرفت دینی جایگاه مهمّی دارد و از طریق انجام عمل های خیر و عبادت، انسان می تواند نزدیکی و صمیمیت بیشتری با خداوند تجربه کند و به معرفتی عمیق تر از او برسد.

۵. هندسه معرفت دینی از دیدگاه علامه طباطبایی، امکان تحقق رابطه نزدیک تری بین انسان و خداوند را فراهم می کند و انسان را به سمت کمال روحی و قرب الهی هدایت می کند.

۶. هندسه معرفت دینی، امکان تحول و تطبیق با زمان و شرایط مختلف را دارد و برای انسان ابزاری است که با تلاش و تفکر در جهت بهبود و رشد روحی و معرفتی خود پیشرفت کند. در نتیجه، هندسه معرفت دینی در نگاه علامه طباطبایی، به عنوان یک مفهوم مهمّ و سازنده، انسان را به سمت درک و شناخت عمیق تری از خداوند و هدایت معنوی برای رسیدن به قرب الهی و کمال روحی سوق می دهد.

۷. ابزار معرفت شامل؛ عقل، حس، خیال و شهود است. منظور از معرفت شهودی معرفت حضوری است و بنا بر نظر علامه، وحی نیز نوعی معرفت شهودی است. همه ابزارهای شناخت در همه رویکردهای فلسفه اسلامی مورد قبول و اتفاق است. اختلاف در میزان اعتبار و ارزش هر یک از آنهاست.

۸. شناخت و علم انسان به دو نوع حضوری و حصولی تقسیم می شود. این تقسیم به لحاظ معلوم است؛ زیرا معلوم یا وجود است یا مفهوم به معنای عام که شامل ماهیت نیز می شود اگر معلوم وجود باشد، چنین علمی، حضوری است ولی اگر معلوم مفهوم به معنای عام باشد چنین علمی، حصولی است.

۹. وحی می‌تواند اطلاعاتی را در اختیار انسان قرار دهد که در دسترس عقل و تجربه نیست. وحی در دریافت و فهم مسائل ماورائی و کشف قوانین الهی که عقل و تجربه در فهم آن عاجز یا محدودند پشتیبان آن‌هاست. بنابراین وحی به عنوان منبعی خطاناپذیر می‌تواند در تولید علم مؤثر باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم، انصاریان، حسین، تهران، هدایت، ۱۳۹۶.

۱. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۹)، **التعلیقات**، تحقیق: عبدالرحمن بدوی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، **معرفت شناسی در قرآن**، تحقیق: حمید پارسانیا، قم، اسراء.

۳. چالمرز، آلن آف (۱۳۹۶)، **چیستی علم**، ترجمه سعید زیبا کلام، تهران، سمت.

۴. حسین زاده، محمد (۱۳۸۵)، **درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت دینی**، قم، مؤسسه امام خمینی (رحمه الله علیه).

۵. (۱۳۹۶)، **معرفت، چیستی، امکان و عقلانیت**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).

۶. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۳)، **فلسفه دین**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

۷. سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۵)، **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۸. صدرالمألهین، ۱۳۵۹، **الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۹. طباطبائی، حسین بن محمد (۱۳۰۳)، **نهایه الحکمه**، تهران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۰. (۱۳۸۷)، **اصول فلسفه و رئالیسم**، قم، بوستان کتاب.

۱۱. (۱۳۶۳)، **تفسیرالمیزان**، تهران، امیرکبیر.

۱۲. (بی‌تا)، **بدایه الحکمه**، قم، جامعه مدرسین.

۱۳. (۱۳۷۸)، **تعالیم اسلام**، قم، بوستان کتاب.

۱۴. (۱۳۸۸)، رسائل توحیدی، قم، بوستان کتاب.
۱۵. (۱۳۴۶)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، امیرکبیر.
۱۶. (۱۳۶۲)، تفسیر المیزان، تهران، امیرکبیر.
۱۷. (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان، تهران، امیرکبیر.
۱۸. (۱۳۴۶)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، امیرکبیر.
۱۹. (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، تهران، امیرکبیر.
۲۰. (۱۳۶۱)، تفسیر المیزان، تهران، امیرکبیر.
۲۱. (۱۳۵۱)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، امیرکبیر.
۲۲. (۱۳۶۵)، تفسیر المیزان، تهران، امیرکبیر.
۲۳. (۱۳۴۶)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، امیرکبیر.
۲۴. فنائی اشکوری، محمد (۱۳۷۴)، معرفت‌شناسی دینی، تهران، انتشارات برگ.
۲۵. مصطفوی، حسن (بی‌تا)، التحقيق فی کلمات القرآن‌الکریم، تهران، نشر کتاب.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۲۷. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۸)، راهی به رهایی؛ جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت، تهران، نگاه معاصر.